

تاثیر هموارسازی سود و دوره تصدی حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر محمد محمدی

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی پرندک، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول).
mkz.mohamadi@gmail.com

دکتر سیاوش محمودی

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی پرندک، ساوه، ایران.
siavash_mahmoudi@yahoo.com

محمد قاسمی داودکلانی

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی پرندک، ساوه، ایران.
mohammad.ghasemi.5545@outlook.com

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی تاثیر هموارسازی سود و دوره تصدی حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها در گروه پژوهش های توصیفی-همبستگی قرار دارد. هم چنین، به منظور انتخاب حجم نمونه از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک (غربالگری) استفاده شد که با توجه به شروط در نظر گرفته شده، در نهایت ۱۵۹ شرکت در دوره زمانی ۶ ساله بین سال های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۹ (در مجموع ۹۵۴ سال- شرکت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای بررسی فرضیه ها از روش های مربوط به رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم افزار Eviews8 و با استفاده از روش داده های پانلی (تابلویی) - اثرات ثابت بهره گرفته شده است. نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می دهند که هموارسازی سود و دوره تصدی حسابرس دارای اثر مثبت و معناداری برحق الزحمه حسابرسی شرکت ها در دوره زمانی پژوهش بوده اند.

واژگان کلیدی: هموارسازی سود، دوره تصدی حسابرس، حق الزحمه حسابرسی.

مقدمه

تئوری نمایندگی نیاز به حسابرسان خارجی را توضیح می دهد که دارای نقش نظارتی برای کاهش مشکلات تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعات بین مدیریت (نمایندگان) و سهامداران (مالکان) ایفا می کنند و بنابراین می توانند هزینه های نمایندگی شرکت ها را کاهش دهند. با این حال، مدیران متحمل هزینه های نظارتی می شوند که یکی از موارد اصلاحی حق الزحمه های حسابرسی شرکت است که به حسابرسان خارجی برای تلاش و زمان آن ها در انجام فرآیند حسابرسی پرداخت می شود. در این رابطه سیمونیک^۱ (۱۹۸۰) قیمت گذاری خدمات حسابرسی را به عنوان یک محصول اقتصادی تحت تاثیر قوانین عرضه و تقاضا مورد بحث قرار داد و بر این عقیده بود که به سطح رقابت در بازار حسابرسی بستگی دارد. سیمونیک (۱۹۸۰) هم چنین به این نتیجه رسید که رقابت قیمتی در بازار حسابرسی حاکم است و حسابرسان بزرگ هزینه حسابرسی بالاتری نسبت به چهار همتای غیر بزرگ خود دریافت می کنند (گویندی و همکاران^۲، ۲۰۲۰). در همین ارتباط، چانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۷) استدلال می کنند که عامل کلیدی تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی کارایی کارکنان مؤسسات حسابرسی است،

¹ Simonic

² Gwyndy et al

³ Chang et al

زیرا کارکنان یک منبع مهم و کمیاب هستند و قیمت گذاری حسابرسی عمدتاً بر اساس نرخ ساعتی حسابرسان اختصاص داده شده به یک کار حسابرسی است. هنگامی که حسابرسان خطرات تحریف بااهمیت را درک می کنند، باید ساعات بیشتری را برای شناسایی مسائل و تأیید شواهد حسابرسی اختصاص دهند. آن ها هم چنین نیاز به انجام آزمایش های اساسی و افزایش حجم نمونه یا انجام روش های تحلیلی در سطح دقیق تر دارند. بنابراین، اعتماد چهره مدیران عامل و مدیران مالی می تواند بر تصمیمات قیمت گذاری حسابرسان تأثیر بگذارد (هسیه و همکاران^۱، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، تئوری نفوذ یا سوگیری نشان می دهد که وقتی حسابرس و صاحبکارش در طول زمان به دلیل دوره تصدی طولانی مدت یک رابطه قوی برقرار می کنند، این امر منجر به سوگیری در روش های حسابرسی به نفع صاحبکار می شود، حتی بدون قصد حسابرس برای انجام این کار (آنتل و همکاران^۲، ۲۰۰۶؛ مور و همکاران^۳، ۲۰۰۳). علاوه بر این، آنتل و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که نظریه اثر مولد فرض می کند که سطح اقلام تعهدی غیرعادی در نتیجه ارائه خدمات غیرحسابرسی که هدف آنها بهبود سیستم عامل است، کاهش می یابد. به عبارت دیگر، افزایش اثربخشی و کارایی عملیات مشتریان از طریق خدمات غیرحسابرسی منجر به محدود شدن انعطاف پذیری مدیران برای مشارکت در مدیریت سود می شود (الهاداب^۴، ۲۰۱۸). با توجه به مطالب ارائه شده، هدف مطالعه حاضر بررسی تاثیر هموارسازی سود و دوره تصدی حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

مبانی نظری

در تئوری، حق الزحمه حسابرسی با تلاش های حسابرسی و خطرات دادرسی تعیین می شود (کیم و همکاران^۵، ۲۰۱۲؛ چوی و همکاران^۶، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹). شواهد تجربی نشان داده اند که حسابرسان یکپارچگی مدیریت را در قضاوت و تصمیم گیری خود در هنگام ارزیابی ریسک های ذاتی و ریسک های کنترل مرتبط با تعهدات حسابرسی وارد می کنند. حسابرسان باید به اطلاعات ارائه شده توسط مدیریت برای تعیین خطرات حسابرسی مشتریان، ساعات حسابرسی و پیشنهاد آنها برای کار حسابرسی تکیه کنند. در عمل، حسابرسان هنگام تصمیم گیری در مورد حق الزحمه حسابرسی، تعامل قابل توجهی با تیم های مدیریت مشتریان خود دارند. به عنوان مثال، فیولیو و همکاران^۷ (۲۰۰۹) نشان دادند که مدیریت، به ویژه مدیران مالی، نقش مهمی در انتخاب حسابرسان و در تعیین اطلاعاتی که باید بین کمیته های حسابرسی و حسابرسان توزیع شود، ایفا می کند. مدیریت تمایل دارد زمان قابل توجهی را صرف مصاحبه و ارزیابی حسابرسان بالقوه کند (هسیه و همکاران، ۲۰۱۹). عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی که در مطالعه سیمونیک (۱۹۸۰) برای اولین بار مورد بررسی قرار گرفت، در مطالعات نظری و تجربی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. سیمونیک (۱۹۸۰) مدل های مثبتی را توسعه داده است که خدمات حسابرسی را به عنوان محصولی در نظر می گیرد که قیمت آن به ویژگی های خاصی از حسابرسان و مشتریان بستگی دارد (هی و همکاران^۸، ۲۰۰۶). مطالعات متعددی بر اساس مدل سیمونیک (۱۹۸۰) برای تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر حق الزحمه های حسابرسی شرکت انجام شده است. به طور خاص، قوش و پاولویچ^۹ (۲۰۰۹)،

¹ Hsieh et al

² Antel et al

³ Moore et al

⁴ Al-Hadab

⁵ Kim et al

⁶ Choi et al

⁷ Fulio et al

⁸ Hey et al

⁹ Qosh and Pavlovich

سلمان و کارسون^۱ (۲۰۰۹) و شاو و تراندو^۲ (۲۰۱۴) تغییرات در حق الزحمه حسابرسی را تجزیه و تحلیل کردند و نتیجه گرفتند که هزینه های حسابرسی پس از تصویب ساکس افزایش یافته است. این افزایش با تلاش فزاینده در حسابرسی صورت های مالی و افزایش تعهدات حسابرسان توضیح داده می شود. قوش و همکاران^۳ (۲۰۰۹) افزایش قابل توجهی در حق الزحمه حسابرسی به میزان ۷۴ درصد در دوره پس از تصویب ساکس نشان داده اند. این افزایش برای شرکت هایی که توسط چهار حسابرس بزرگ حسابرسی می شوند، بارزتر است (گویندی و همکاران، ۲۰۲۰). ویژگی های ریسک یک مشتری ممکن است بر تصمیمات قیمت گذاری حسابرسان تأثیر بگذارد زیرا با ریسک تجاری خاص مشتری حسابرسان مرتبط است. همان طور که انجمن حرفه ای حسابداری بین المللی^۴ (۱۹۹۲) تعریف می کند، ریسک تجاری خاص مشتری از دو جزء تشکیل شده است: (۱) ریسک تجاری مشتری که خطر مرتبط با ادامه بقا و رفاه مشتری است و (۲) ریسک تجاری حسابرسان که با خطر احتمالی دعوی قضایی و خطرات مرتبط بودن با مشتری، صرف نظر از اینکه آیا شکست حسابرسان ادعا شده باشد، مرتبط است. در این ارتباط، مورگان و استاکن^۵ (۱۹۹۸) ریسک تجاری را به عنوان ریسک حسابرسان یک دعوی حقوقی که پس از انجام کلیه اقدامات مورد نیاز طبق بیانیه های استانداردهای حسابرسی در حین انجام حسابرسی و صدور گزارش حسابرسی باقی می ماند، تفسیر می کنند. مدل آنها نقش اطلاعات مربوط به ریسک تجاری خاص مشتری را در قیمت گذاری حسابرسی بررسی می کند و نشان می دهد که هزینه های حسابرسی، به طور کلی، با ریسک تجاری درک شده افزایش می یابد (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱).

از سوی دیگر، محدودیت های تصدی حسابرسان در دو سطح در ادبیات قبلی مورد بررسی قرار گرفته است: (۱) سطح شرکت و (۲) سطح شریک. حرفه حسابرسی با حمایت از فرضیه تخصص حسابرسان که پیشنهاد می کند که دوره تصدی طولانی تر مؤسسه حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی بین صاحب کار و حسابرسان را در طول زمان کاهش می دهد، زیرا حسابرسان دانش خاص مشتری لازم برای افزایش کیفیت حسابرسی را کسب می کنند، تا حد زیادی با چرخش حسابرسان در سطح شرکت مخالفت کرده است. هم چنین چرخش اجباری شرکت حسابرسی پرهزینه است (ارنست و یانگ^۶، ۲۰۱۱؛ موسسه حسابداران رسمی آمریکا، ۱۹۹۲). در حالی که استدلال شده است که تغییر در شریک حسابرسی در نتیجه چرخش شریک به احتمال کمتر باعث ایجاد منحنی یادگیری شیب دار در مورد عملیات مشتری برای شریک جدید می شود، پژوهش های قبلی عموماً نشان داده است که کیفیت حسابرسی به طور غیر قابل حذفی با تجربیات افراد حرفه ای و آنها مرتبط است (چی و چین^۷، ۲۰۱۱؛ کریشنان^۸، ۲۰۰۳). استدلال می شود که چرخش اجباری شریک ممکن است استقلال حسابرسان را افزایش دهد و حسابرسان با نگاهی تازه به ریسک مشتری و مسائل مربوط به تعهد به بهای از دست رفتن دانش سازمانی مرتبط با موضوعات خاص مشتری، استراتژی های انتقال دانش را بین شرکای حسابرسی و سایر اعضای حسابرسی ایجاد کنند (سینق و همکاران^۹، ۲۰۱۹؛ داگرتی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۲).

در این میان، به طور کلی هموارسازی درآمد به عنوان کاهش عمدی نوسانات سود شرکت، در طول زمان تعریف می شود (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱؛ بیلدمن^{۱۱}، ۱۹۷۳). ادبیات قبلی و شواهد موجود دو دیدگاه متفاوت را در مورد اینکه آیا هموارسازی

¹ Salman and Carson

² Shaw and Trando

³ Qosh et al

⁴ Association of International Certified Professional Accountants (AICPA)

⁵ Morgan and Stocken

⁶ Ernst and Young

⁷ Chi and Chin

⁸ Kirishnan

⁹ Singh et al

¹⁰ Dagarty et al

¹¹ Bildman

سود برای فعالان بازار و یا سهامداران شرکت مضر یا مفید است، نشان می‌دهد. دیدگاه «اطلاعاتی استدلال می‌کند که مدیران از هموارسازی درآمد برای افشای اطلاعات خصوصی خود در مورد عملکرد آینده شرکت‌ها استفاده می‌کنند که این موضوع می‌تواند ارزش‌گذاری شرکت و اطلاعات سود را افزایش دهد (بیک و همکاران^۱، ۲۰۲۰؛ بدرتشر و همکاران^۲، ۲۰۱۲؛ تاگر و زاورین^۳، ۲۰۰۶؛ ترومن و تیتمن^۴، ۱۹۸۸). با این حال، دیدگاه فرصت‌طلبانه این احتمال را برجسته می‌کند که مدیران به عنوان یک رفتار فرصت‌طلبانه درگیر هموارسازی سود می‌شوند. این دیدگاه نشان می‌دهد که هموارسازی سود برای افزایش ابهام در اطلاعات مربوط به عملکرد اقتصادی واقعی شرکت‌ها استفاده می‌شود، که در نهایت این موضوع می‌تواند منجر به کاهش کیفیت سود و یا کاهش ارزش شرکت‌ها شود (لافوند و همکاران^۵، ۲۰۰۷؛ لئوز و همکاران^۶، ۲۰۰۳). استدلال‌های مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد یک رابطه مثبت یا منفی بین هموارسازی سود و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. از یک طرف، مدیران انگیزه‌هایی برای هموارسازی نوسانات سود و ارسال سیگنال‌هایی از ریسک پایین‌تر کسب‌وکار و عملکرد درخشان آینده به سهامداران برای شرایط بهتر تجارت دارند (دو و همکاران^۷، ۲۰۱۳). تا جایی که ریسک تجاری یک شرکت (یعنی مشتری) تعیین‌کننده هزینه‌های حسابرسی باشد (سیمونیچ^۸، ۱۹۸۰). هموارسازی درآمد ممکن است به طور مطلوب بر تصمیمات قیمت‌گذاری حسابرسان تأثیر بگذارد و منجر به کاهش هزینه‌های حسابرسی شود. از سوی دیگر، هموارسازی سود می‌تواند توسط مدیران برای پنهان کردن عمدی اطلاعات مربوط به عملکرد اقتصادی واقعی یک شرکت استفاده شود، که می‌تواند احتمال دخالت شرکت‌ها در مدیریت سود فرصت‌طلبانه و گزارش نادرست مالی عمدی را افزایش دهد. در پاسخ، حسابرسان ممکن است هزینه حسابرسی بالاتری را برای پوشش خطر افزایش دادرسی ناشی از استفاده از هموارسازی سود به عنوان یک رفتار گزارش دهی فرصت‌طلبانه دریافت کنند. این دو استدلال متفاوت نشان می‌دهند که تأثیر هموارسازی درآمد بر حق الزحمه حسابرسی در نهایت یک سؤال تجربی است (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱). هدف اول این مطالعه بررسی این موضوع است که حسابرسان هموارسازی سود را چگونه درک می‌کنند و اینکه آیا آن را در تصمیمات قیمت‌گذاری خود لحاظ می‌کنند یا خیر. ارزیابی هموارسازی سود شرکت‌ها از دیدگاه حسابرسان ضروری است، چراکه آن‌ها با توجه به دسترسی مستقیم آن‌ها به سوابق مدیریتی و حسابداری شرکت‌ها، درک بهتری از انگیزه‌های مدیریتی برای هموارسازی سود دارند. انگیزه پژوهش حاضر شواهد تجربی در مطالعه گراهام و همکاران^۹ (۲۰۰۵) است که مدیران عمدتاً طرفدار هموارسازی سود هستند و تمایل دارند تا ارزش اقتصادی واقعی را فدای آن کنند: تقریباً ۹۷ درصد از مدیران در نظرسنجی هموارسازی سود را ترجیح می‌دهند و این در حالی است که ۷۸ درصد موافق هستند که برای دستیابی به آن آماده هستند تا ارزش شرکت را به خطر بیندازند (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱). این مطالعه می‌تواند با دیدگاه‌های مختلفی منجر به توسعه این بخش ادبیات پژوهش گردد. اول اینکه، این مطالعه به بررسی هزینه‌های حسابرسی و مزایای مرتبط با هموارسازی سود کمک می‌کند. هموارسازی درآمد می‌تواند توسط مدیران به‌عنوان ابزاری برای افشای اطلاعات خصوصی خود در مورد عملکرد آتی شرکت‌ها یا به‌عنوان ابزاری فرصت‌طلب برای پنهان کردن نوسانات واقعی عملکرد سودهای گذشته شرکت استفاده شود. در حالی که مطالعات پیشین در این حوزه هزینه‌ها و مزایای هموارسازی سود را از نظر ارزش‌گذاری شرکت (رانتری و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۸)، هزینه سرمایه (فرانسیس و

¹ Beck et al

² Badtashr et al

³ Tucker and Zavarin

⁴ Truman and Titman

⁵ Lafond et al

⁶ Luz et al

⁷ Doo et al

⁸ Simonic

⁹ Graham et al

¹⁰ Rantry et al

همکاران^۱، ۲۰۰۴؛ ترومن و تیتمن، ۱۹۸۸)، نقدینگی (لافوند و همکاران، ۲۰۰۷؛ گوئل و تاکور، ۲۰۰۳)، قرارداد بدهی (دمیرجان و همکاران^۲، ۲۰۲۰)، کارایی اطلاعاتی (بیک و همکاران، ۲۰۲۰؛ تاکر و زاورین، ۲۰۰۶) و ارتباطات بین مشتری و تامین کننده (دو و همکاران، ۲۰۱۳) مورد بررسی قرار دادند. اما این که در رابطه با نحوه درک حسابرسان از هموارسازی سود و چگونگی اثرگذاری هموارسازی سود بر حق الزحمه های حسابرسی شرکت ها مطالعه مشخصی انجام نشده است. این مطالعه با بررسی اینکه آیا حسابرسان هموارسازی سود را در ارزیابی ریسک و تصمیمات قیمت گذاری خود لحاظ می کنند، این موضوع را روشن می کند. دوم اینکه، این مطالعه به ادبیات قیمت گذاری حسابرسی کمک زیادی می کند. بسیاری از مطالعات قبلی، ویژگی های خاص شرکت و یا ویژگی های حسابرسان را به عنوان عاملی تعیین کننده در حق الزحمه حسابرسی شناسایی کرده اند. ادبیات حسابرسی در این حوزه نیز به طور گسترده تأثیر عوامل مختلف، مانند ریسک ذاتی مشتری و ریسک تجاری حسابرس را بر تصمیمات حق الزحمه حسابرسی بررسی کرده است. این مطالعه با اضافه کردن هموارسازی سود به عنوان یکی دیگر از عوامل تعیین کننده هزینه های حسابرسی موجب توسعه این بخش از ادبیات پیشین پژوهش می شود. سوم اینکه، مطالعه حاضر به ادبیات موجود در مورد رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی کمک زیادی می کند. گول و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند که شرکت هایی با اقلام تعهدی اختیاری بالاتر، هزینه های حسابرسی بالاتری را پرداخت می کنند. چوی و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که حسابرسان برای شرکت هایی که درگیر مدیریت سود واقعی هستند، حق الزحمه حسابرسی بیشتری طلب می کنند. لی و همکاران^۳ (۲۰۱۵) و دی فوند و همکاران (۲۰۱۶) شواهدی ارائه دادند که نشان می دهد شرکت هایی با محافظه کاری حسابداری بالاتر از هزینه های حسابرسی کمتر سود می برند. این مطالعه با بررسی رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و هموارسازی سود، یکی دیگر از ویژگی های مهم سود که به طور بالقوه بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می گذارد، به ادبیات پیشین پژوهش اضافه می کند. در نهایت، مطالعه حاضر به توسعه مطالعات پیشین همانند چانگ و همکاران (۲۰۲۱) و برایان و همکاران^۴ (۲۰۱۸) که در آن ها ارتباط بین هموارسازی سود، حق الزحمه حسابرسی و نوسانات سود مورد بررسی قرار گرفته است می پردازد. بحث این است که نوسانات بالاتر سود احتمالاً باعث عدم اطمینان در جریان سود می شود که ممکن است دشواری کار حسابرسی و سطح درک شده از ریسک حسابرسی را افزایش دهد و در نتیجه منجر به هزینه های حسابرسی بالاتر شود. تا جایی که انگیزه اصلی مدیران برای مشارکت در هموارسازی سود، کاهش نوسانات سود و ریسک ذاتی کسب و کار است. همچنین از جنبه نوآوری مقاله حاضر با مقاله انجام شده چانگ و همکاران (۲۰۲۱)، در این می باشد که متغیر دوره تصدی هم به متغیر ها و عنوان پژوهش اضافه شده، تا پژوهش حاضر از شباهت دقیق با مقاله انجام شده فاصله گرفته و دارای نوآوری باشد.

پیشینه پژوهش

در حوزه پژوهش حاضر و در مطالعات داخلی رشیدی (۱۴۰۰) نشان داد که رقابت بالاتر منجر به تغییر چسندگی حق الزحمه (از نوع کاهشی) شده و بنابراین، سرعت اصلاح قیمت رو به پایین می تواند بیانگر قدرت چانه زنی محدود حسابرسان نسبت به صاحبکاران باشد که در نهایت منجر به تغییر کیفیت حسابرسی می گردد. تابلی (۱۴۰۰) دریافت که کاهش اعتماد استفاده کنندگان از صورت های مالی نه تنها منجر به ناکامی از دستیابی به اهداف حسابرسی می شود، بلکه موجب افت اعتبار فرآیند حسابرسی در ابعاد کلان خواهد شد به علاوه این امر می تواند مانع تخصیص بهینه سرمایه در بازار اوراق بهادار و

¹ Francis et al

² Demirjan et al

³ Lee et al

⁴ Brian et al

انزایش هزینه های سرمایه ای و تامین مالی شود. اسفهلان (۱۴۰۰) نشان داد دوره تصدی مدیرعامل و حسابرسی شرکت تاثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد. نتایج پژوهش شاکرزواردهی و همکاران (۱۴۰۰) نشان می دهد که بین تامین مالی بیرونی و هموارسازی سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین میان مدیریت ریسک سازمانی و هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. و نیز مدیریت ریسک سازمانی رابطه میان تامین مالی بیرونی با هموارسازی را تعدیل نمی کند. کلهرچگینی و همکاران (۱۴۰۰) ثابت کرد که بین خوش بینی های مدیریت و هموارسازی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن جهت این رابطه می توان گفت بین مدیریت و هموارسازی رابطه مثبت وجود دارد. یعنی با افزایش (کاهش) خوش بینی های مدیریتی میزان هموارسازی سود افزایش (کاهش) می یابد. لذا سرمایه گذاران می باید در هنگام تصمیم گیری، علاوه بر رقم پیش بینی سود به ریسک ها و ابهامات خوش بینی مدیریتی مربوط به صنعتی که شرکت در آن فعال است نیز توجه کنند. زمانی و همکاران (۱۴۰۰) مشخص کرد که حق الزحمه حسابرسی با کیفیت حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارد. میرعرب رضی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که بین اثربخشی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین شواهدی در خصوص نقش تعدیلی دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی یافت نشد.

علاوه بر این در مطالعات خارجی، چانگ و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که بین هموارسازی سود و حق الزحمه های حسابرسی شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد. نتایج مطالعه شان و همکاران^۱ (۲۰۲۰) حاکی از آن است که وقتی سطح مالکیت مدیریتی با منافع سهامدار سازگار باشد (همگرایی منافع) بین مالکیت مدیریتی و اندازه شرکت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی معناداری وجود دارد. گویندی و همکاران (۲۰۲۰) گزارش کردند که هزینه های حسابرسی و غیرحسابرسی برای شرکت هایی که برای اولین بار IFRS را اتخاذ می کنند به طور قابل توجهی افزایش می یابد و این افزایش در سال های بعد ادامه دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که هم حسابرسان بزرگ و هم حسابرسان غیربزرگ، هزینه های حسابرسی و غیرحسابرسی بالاتری را از مشتریان خود که طبق IFRS به روشی مشابه اتخاذ یا گزارش می کنند، دریافت می کنند. در نهایت، یافته ها نشان داد که مؤسسات حسابرسی هزینه های حسابرسی و غیرحسابرسی را برای مشتریان قدیمی و جدید با استفاده از IFRS افزایش می دهند که نشان می دهد هیچ اثر کم توجهی شناسایی نشده است. وانگ و همکاران^۲ (۲۰۱۹) اعلام کردند که تضمین بدهی یک نهاد دیگر، حق الزحمه حسابرسی خود بنگاه را به میزان قابل توجهی افزایش می دهد. همچنین نتایج نشان داد افشا اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت اثرات افزایش حق الزحمه حسابرسی در اثر ضمانت های وام را کاهش می دهد. هسیه و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که حسابرسان در حسابرسی اولیه، ۵٫۶ درصد از شرکت هایی که مدیران مالی دارای ظاهری قابل اعتماد دارند، هزینه حسابرسی کمتری دریافت می کنند. هم چنین، تصدی حسابرسی ارتباط منفی بین قابلیت اعتماد چهره مدیران مالی و حق الزحمه حسابرسی را تضعیف می کند. شواهد بیشتر نشان می دهد که قابلیت اعتماد چهره مدیران عملیاتی نه با کیفیت گزارشگری مالی و نه با خطر دادرسی مرتبط است. لای^۳ (۲۰۱۹) اظهار داشتند که حق الزحمه حسابرسی پس از ادغام مؤسسات حسابرسی افزایش نمی یابد. هم چنین نتایج نشان داد که تاخیر گزارش حسابرسی پس از ادغام مؤسسات حسابرسی کاهش می یابد. در نهایت، ژانگ (۲۰۱۶) ثابت کردند که افزایش در هموارسازی سود به طور معناداری با احتمال کاهش تغییر مدیران همراه است در حالی که افزایش ریسک ویژه شرکت ها به طور معناداری با افزایش تغییر مدیران همراه است. در مجموع شواهد این مقاله نشان می دهد چرخش مدیران بر هموارسازی سود اثرگذار است. با توجه به مباحث ارائه شده در بخش های بالا، فرضیه های مطالعه حاضر به شرح ذیل تدوین می شوند:

¹ Shan et al

² Wang et al

³ Lai

فرضیه اول: هموارسازی سود برحق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد.
فرضیه دوم: دوره تصدی حسابرس برحق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد.

روش شناسی پژوهش جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند که از سال ۱۳۹۴ لغایت ۱۳۹۹ در بورس فعال بوده اند. هم چنین، برای آزمون فرضیه ها، نمونه آماری بر اساس چارچوب زیر گزینش شد که در نهایت، ۱۵۹ شرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند:

- ۱) شرکت در صنعت واسطه گری های مالی نباشد. زیرا ساختار سرمایه این موسسات متفاوت می باشد.
- ۲) شرکت در ابتدای سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
- ۳) نماد شرکت در دوره تحقیق، وقفه با اهمیت نداشته باشد (بیش از ۳ ماه در تابلوی بورس متوقف نباشد).
- ۴) داده های شرکت قابل دسترسی باشد.
- ۵) پایان سال مالی شرکت ها منتهی به ۱۲/۲۹ بوده باشد.
- ۶) شرکت طی بازه ۹۴ الی ۹۹ تغییر سال مالی نداده باشد.

توسعه مدل های رگرسیونی

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی هموارسازی سود و دوره تصدی حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که برای این منظور و به پیروی از پژوهش های پیشین در این حوزه (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱) از مدل های رگرسیونی خطی چندمتغیره زیر بهره گرفته شده است. در صورتی که ضرایب متغیرهای مستقل (β_0) در این مدل ها معنادار باشند می توان پذیرفت که فرضیه های پژوهش مورد تایید قرار گرفته است. به این ترتیب داریم:

مدل (۱):

$$AF_{it} = \beta_0 + \beta_1 ES_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 BM_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 QUICK_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 LOSS_{it} + \beta_8 REC_{it} + \beta_9 BIG_{it} + \beta_{10} FI_{it} + \beta_{11} OPINION_{it} + \beta_{12} ARL_{it} + \beta_{13} FIN_{it} + \beta_{14} AZ_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲):

$$AF_{it} = \beta_0 + \beta_1 ATENURE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 BM_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 QUICK_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 LOSS_{it} + \beta_8 REC_{it} + \beta_9 BIG_{it} + \beta_{10} FI_{it} + \beta_{11} OPINION_{it} + \beta_{12} ARL_{it} + \beta_{13} FIN_{it} + \beta_{14} AZ_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل های بالا داریم:

متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسی (AF)

متغیر وابسته در مطالعه حاضر حق الزحمه های حسابرسی شرکت هاست که برای اندازه گیری آن از لگاریتم طبیعی کل حق الزحمه های حسابرس شرکت ها در پایان سال مالی استفاده می شود (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱).

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در پژوهش حاضر شامل هموارسازی سود و دوران تصدی حسابرسان خارجی شرکت هاست که به صورت زیر تعریف می شوند:

هموارسازی سود (ES)

دیچو و همکاران (۲۰۱۰) از تغییرپذیری سود نسبت به جریان نقدی عملیاتی به عنوان معیاری برای هموارسازی سود بهره گرفته اند. به توجه به این تعریف، هر چه نسبت حاصل کوچک تر باشد، سود هموارتر است. در این مطالعه از داده های سود و جریان نقد عملیاتی پنج سال گذشته یک شرکت برای محاسبه هموارسازی سود بهره گرفته شده است (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱). به این ترتیب داریم:

مدل (۳):

$$ES_{it} = \frac{\sigma(EARNINGS_{it})}{\sigma(CFO_{it})}$$

در فرمول بالا داریم:

σ : انحراف معیار.

$EARNINGS_{it}$: سود قبل از کسر بهره و مالیات.

CFO_{it} : جریان نقدی عملیاتی.

دوران تصدی حسابرس (ATENURE)

برای اندازه گیری دوران تصدی حسابرسان به پیروی از پژوهش های چانگ و همکاران (۲۰۲۱) و قیطاسی و همکاران (۱۳۹۵) از تعداد سال های همکاری بین شرکت موکل و حسابرس خارجی شرکت بهره گرفته می شود.

متغیرهای کنترلی

به پیروی از ادبیات پیشین پژوهش (چانگ و همکاران، ۲۰۲۱؛ قیطاسی و همکاران، ۱۳۹۵) اثر برخی از متغیرهای مالی و حسابداری در مدل های رگرسیونی کنترل شده است که در ادامه تعریف می شوند:

اندازه شرکت (SIZE): برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش کل دارایی های ترازنامه ای شرکت در پایان سال مالی.

ارزش بازار به دفتری (BM): برابر است با نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام (تعداد سهام ضرب در قیمت سهام) شرکت در پایان سال مالی.

سودآوری (ROA): برابر است با نسبت سود خالص به ارزش کل دارایی های ترازنامه ای شرکت در پایان سال مالی.

نسبت آنی (QUICK): برابر است با اختلاف بین دارایی های جاری و موجودی ها تقسیم بر بدهی های جاری شرکت در پایان سال مالی.

اهرم مالی (LEV): برابر است با نسبت کل بدهی ها دفتری به ارزش کل دارایی های ترازنامه ای شرکت در پایان سال مالی.

زیان شرکت (LOSS): متغیر دوگانه که وقتی شرکت در دوره جاری گزارش زیان کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود.

حساب های دریافتی (REC): برابر است با نسبت مجموع حساب های دریافتی و موجودی ها به ارزش کل دارایی های ترازنامه ای شرکت در پایان سال مالی.

نوع حسابرسی (BIG): متغیر ساختگی که وقتی حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد یک و در غیر این صورت صفر می باشد.

درآمدهای خارجی (FI): برابر است با نسبت درآمدهای حاصل از صادرات به کل دارایی های شرکت در پایان سال مالی.

اظهاری نظر حسابرسی (OPINION): متغیر دوگانه که وقتی شرکت اظهارنظر مشروط در دوره قبلی گزارش کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود.

تاخیر در گزارش های حسابرسی (ARL): برابر است با از تفاوت بین پایان سال مالی شرکت و تاریخ گزارش حسابرسی استفاده می شود. هر چه تاریخ گزارش حسابرسی به پایان سال مالی نزدیک تر باشد، میزان تاخیر در گزارش های حسابرسی کمتر می باشد.

تخصص در صنعت (FIN): برای اندازه گیری تخصص در صنعت از متغیر مجازی استفاده شده است. در صورتی که حسابرس شرکت دارای تخصص در صنعت باشد یک و در غیر این صورت صفر می باشد. برای اندازه گیری تخصص در صنعت حسابرس در این تحقیق از سهم بازار بهره گرفته می شود، زیرا بسیاری از معیارهای مورد استفاده در اندازه گیری کیفیت حسابرسی از طریق ابزارهایی همچون پرسشنامه و یا مصاحبه جمع آوری می شوند که خود بر اعتبار نتایج تحقیق تاثیر می گذارد. تخصص حسابرس در صنعت معیاری از کیفیت حسابرسی است که با استفاده از دو رویکرد سهم بازار و سهم پرتفوی موسسه حسابرسی معرفی شده است. در این تحقیق بر رویکرد سهم بازار تاکید می شود، چرا که جمع آوری اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه تخصص حسابرس در صنعت با استفاده از رویکرد سهم پرتفوی موسسه حسابرسی در ایران با مشکلات فراوانی رو به روست. سهم بازار حسابرسان نیز به شرح زیر محاسبه می شود (آقایی و همکاران، ۱۳۹۱):
مدل (۴):

$$\left(\frac{1}{(FIN)}\right) * \left(\frac{1}{2}\right) < \left(\frac{SR}{SRT}\right)$$

که در آن مجموعه دارایی های تمام صاحبکاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص (SR) تقسیم بر مجموع دارایی های کل صاحبکاران در این صنعت (SRT)، می شود. با پیروی از پالم رز (۱۹۸۶) موسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص در صنعت در نظر گرفته می شوند که سهم بازار آنها (یعنی معادله سمت راستی) بیش از معادله یک بر روی تعداد شرکت های موجود در یک صنعت (FN) ضرب بر یک تقسیم بر دو (یعنی معادله سمت چپی) باشد.

ریسک ورشکستگی (AZ): برای اندازه گیری ریسک ورشکستگی شرکت ها از شاخص آلتمن (۱۹۶۸) استفاده می شود که به صورت زیر تعریف می شود:

مدل (۵):

$$ZSCORE = 0.3X_1 + 1.0X_2 + 1.4X_3 + 1.2X_4 + 0.6X_5$$

X_1 : نسبت سود خالص به ای کل دارایی های شرکت در پایان سال مالی.

X_2 : نسبت درآمدهای حاصل از فروش به کل دارایی های شرکت در پایان سال مالی.

X_3 : نسبت سود انباشته به کل دارایی های شرکت در پایان سال مالی.

X_4 : نسبت سرمایه در گردش (دارایی های جاری منهای بدهی های جاری) به کل دارایی های شرکت در پایان سال مالی.
 X_5 : نسبت ارزش بازار سهام (تعداد ضرب در قیمت سهام) به ارزش دفتری کل بدهی های شرکت در پایان سال مالی.

تجزیه و تحلیل داده های پژوهش آمار توصیفی

نتایج به دست آمده در بخش آمار توصیفی نشان می دهد که حق الزحمه های حسابرسی شرکت ها به طور متوسط $7/3$ می باشد که بالاترین مقدار به دست آمده $11/9$ و پایین ترین آن $4/7$ می باشد. علاوه بر این، هموارسازی سود شرکت ها به طور میانگین $1/7$ به دست آمده که حداکثر آن $9/8$ و حداقل آن 3 درصد است. دوران تصدی حسابرسان نیز به طور میانگین $1/9$ سال است که بالاترین آن چهار سال نیز به دست آمده است. اما یافته های مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان می دهند که اندازه شرکت ها دارای میانگین 14 است که بزرگ ترین و کوچک ترین شرکت های نمونه به ترتیب دارای اندازه های 20 و 11 بوده اند. ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت ها به طور متوسط 36 درصد ارزش بازار سهام شرکت ها به دست آمده که حداکثر آن $1/9$ می باشد. سودآوری شرکت ها در دوره زمانی پژوهش به طور میانگین 12 درصد کل دارایی های ترانزنامه ای آن ها بوده که حداکثر آن 68 درصد و حداقل آن زیان خالص 72 درصدی نسبت به کل دارایی های ترانزنامه ای می باشد. نسبت آنی نشان می دهد که مجموع دارایی های جاری و موجودی های شرکت ها 42 درصد کل دارایی های ترانزنامه ای آنهاست که این رقم به بیش از 90 درصد هم رسیده است. اهرم مالی نیز نشان می دهد که شرکت ها 53 درصد کل دارایی های ترانزنامه ای خود بدهی داشته اند که بالاترین آن بیش از 96 درصد می باشد که نشان از ریسک بالای شرکت دارد. ضمن اینکه 11 درصد شرکت های نمونه در دوره زمانی پژوهش گزارش زیان داشته اند. مجموع حساب های دریافتی و موجودی های شرکت ها نیز 51 درصد کل دارایی های ترانزنامه ای آن ها بوده که بالاترین آن 96 درصد به دست آمده است. نوع حسابرسان نشان می دهد که 23 درصد شرکت های نمونه از خدمات سازمان حسابرسی بهره گرفته اند. درآمدهای خارجی یا همان درآمدهای صادراتی شرکت ها 3 درصد کل دارایی های ترانزنامه ای آنها می باشد که به 77 درصد هم رسیده است. ضمن اینکه 48 درصد شرکت های نمونه در دوره زمانی پژوهش اظهارنظر مشروط دریافت کرده اند. تاخیر در گزارش حسابرسان نیز به طور میانگین 68 روز می باشد که بالاترین آن 98 روز و پایین ترین آن 23 روز به دست آمده است. ضمن اینکه 32 درصد شرکت های نمونه از خدمات شرکت های حسابرسی دارای تخصص در صنعت بهره گرفته اند. در نهایت، ریسک ورشکستگی شرکت ها به طور میانگین $3/2$ به دست آمده که حداکثر آن $9/9$ و حداقل آن منفی $7/1$ می باشد:

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
حق الزحمه حسابرسی	AF	۷,۳۶۱۶۰۶	۷,۳۱۲۲۱۷	۱۱,۹۷۰۷۶	۴,۷۹۵۷۹۱	۰,۸۸۵۲۶۴
هموارسازی سود	ES	۱,۷۰۶۲۴۵	۱,۱۷۳۰۱۷	۹,۸۷۶۳۸۵	۰,۰۳۳۴۵۱	۱,۹۵۴۱۵۲
دوران تصدی حسابرسان	ATENURE	۱,۹۱۸۳۹۶	۲,۰۰۰۰۰۰	۴,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۳۸۱۸۱
اندازه شرکت	SIZE	۱۴,۸۵۷۱۹	۱۴,۵۶۸۸۸	۲۰,۷۶۸۶۹	۱۱,۱۹۷۶۷	۱,۶۶۷۷۹۰
ارزش دفتری به بازار	BM	۰,۳۶۶۲۱۲	۰,۲۸۵۰۳۱	۱,۹۶۴۷۹۰	۰,۰۰۳۸۱۵	۰,۲۹۵۰۳۳
سودآوری	ROA	۰,۱۲۴۰۴۶	۰,۱۰۸۷۱۱	۰,۶۸۱۹۷۷	-۰,۷۲۳۲۸	۰,۱۶۵۱۴۹
نسبت آنی	QUICK	۰,۴۲۹۰۸۱	۰,۴۱۵۴۸۲	۰,۹۰۴۰۴۶	۰,۰۱۷۲۴۰	۰,۱۸۱۵۲۲
اهرم مالی	LEV	۰,۵۳۶۱۳۶	۰,۵۴۳۲۴۴	۰,۹۶۵۱۱۱	۰,۳۱۴۳۱	۰,۱۹۹۴۵۶

۰,۳۳۲۹۶۲	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۱۲۶۸۳۴	LOSS	زیان شرکت
۰,۱۹۹۸۱۷۷	۰,۰۰۹۱۵۴	۰,۹۶۴۳۰۸	۰,۵۰۸۱۷۰	۰,۵۱۳۸۶۳	REC	حساب های دریافتی
۰,۴۲۲۱۱۲	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۲۳۱۶۵۶	BIG	نوع حسابرس
۰,۱۰۷۴۶۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۷۷۶۱۲۵	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۳۴۵۳۴	FI	درآمدهای خارجی
۰,۵۰۰۱۰۴	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۴۸۷۴۲۱	OPINION	اظهاری نظر حسابرس
۱۸,۴۸۳۷۷	۲۳,۰۰۰۰۰	۹۸,۰۰۰۰۰	۶۹,۰۰۰۰۰	۶۸,۷۸۵۱۹	ARL	تاخیر در گزارش حسابرسی
۰,۴۷۰۱۴۸	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۳۲۹۱۴۰	FIN	تخصص در صنعت
۲,۴۶۰۴۲۰	-۷,۱۱۵۹۱	۹,۹۳۴۰۷۹	۲,۶۱۲۴۷۹	۳,۲۱۳۰۸۱	AZ	ریسک ورشکستگی

آمار استنباطی

مدل رگرسیونی اول

اغلب برای انتخاب بین مدل ترکیبی و تلفیقی از آزمون چاو (F لیمر) استفاده می شود. در آزمون چاو فرضیه مخالف یکسان بودن عرض از مبدا را در برابر فرضیه مقابل آن، ناهمسانی عرض از مبدا، بررسی می کند. به عبارت دیگر، فرضیه صفر آزمون بیان می کند تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضریب برآورد شده جمعی وجود ندارد و یا ضرورتی به برآورد مدل با استفاده از داده های تابلویی نیست. حال در صورتی که نتیجه آزمون چاو برآورد مدل به روش داده های پانلی (تابلویی) باشد، باید انتخاب بین روش اثرات ثابت و یا روش اثرات تصادفی نیز براساس نتایج آزمون هاسمن تعیین شود. فرضیه صفر در آزمون هاسمن، به برابری برآورد کننده هر دو روش حداقل مربعات تعمیم یافته و متغیر مجازی اشاره دارد. در صورتی که سطح خطای این آزمون بالاتر از ۵ درصد باشد از روش اثرات تصادفی و در صورتی که پایین تر از خطای ۵ درصد باشد از روش اثرات ثابت بهره گرفته می شود. یافته های مربوط به آزمون های چاو و هاسمن در جدول (۲) آمده است:

جدول (۲): نتایج آزمون چاو و هاسمن

آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
چاو (F لیمر)	۱۳,۲۴۵۹۷۷	(۱۵۸,۷۸۱)	۰,۰۰۰۰	پانلی (تابلویی)
هاسمن	۱۰۰,۷۱۷۴۴۲	۱۴	۰,۰۰۰۰	اثرات ثابت

آزمون های برازش مدل

براساس شاخص های نیکویی برازش مدل مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. ضریب تعیین اصلاح شده مدل نیز نشان می دهد ۶۹ درصد از تغییرات موجود در حق الزحمه های حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل ها تبیین می گردد. همخطی به معنای وجود رابطه خطی شدید بین متغیرهای توضیحی است. وجود همخطی شدید بین متغیرهای توضیحی یک مدل موجب تورش ضرایب آن و بی اعتباری آزمون معناداری ضرایب خواهد شد. یکی از شیوه های بررسی همخطی محاسبه آماره تورم واریانس است. چنانچه این آماره از عدد ۱۰ کوچک تر باشد، همخطی شدید وجود ندارد.

عدم وجود خودهمبستگی باقیمانده ها از طریق آزمون دوربین- واتسون مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه آماره آزمون دوربین- واتسون در بازه ۱/۵ الی ۲/۵ قرار دارد، نشان دهنده عدم وجود خودهمبستگی باقیمانده ها در مدل دارد.

از شرایط لازم برای تخمین مدل رگرسیونی، همسانی واریانس اجزای خطای مدل است که در صورت ناهمسانی از اعتبار مدل رگرسیونی می کاهد. برای این منظور از آزمون بروش- پاگان استفاده شده است که سطح معناداری به دست آمده برای این آزمون بیشتر از خطای ۵ درصد می باشد و نشان از وجود همسانی واریانس در بین اجزای خطای مدل دارد.

جدول (۳): نتایج آزمون های برازش مدل رگرسیونی اول

متغیر	نماد	تورم واریانس
هموارسازی سود	ES	۱,۰۳۹۱۸۲
اندازه شرکت	SIZE	۱,۳۷۰۷۳۷
ارزش دفتری به بازار	BM	۱,۲۹۴۷۱۱
سودآوری	ROA	۲,۰۴۵۸۹۰
نسبت آنی	QUICK	۱,۰۹۵۵۱۹
اهرم مالی	LEV	۱,۹۶۲۵۰۵
زیان شرکت	LOSS	۱,۴۷۴۸۸۶
حساب های دریافتی	REC	۱,۰۲۱۵۰۲
نوع حسابرس	BIG	۱,۴۰۵۸۶۲
درآمدهای خارجی	FI	۱,۰۵۶۲۶۶
اظهار نظر حسابرس	OPINION	۱,۰۸۶۸۲۴
تاخیر در گزارش حسابرسی	ARL	۱,۰۱۳۹۴۵
تخصص در صنعت	FIN	۱,۲۸۴۷۸۷
ریسک ورشکستگی	AZ	۱,۰۵۶۵۸۸
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۶۹۱۶۵۹
آماره F		۱۳,۴۲۸۷۱
سطح معناداری		۰,۰۰۰۰۰۰
دوربین-واتسون		۱,۸۵۰۷۹۸
آماره بروش-پاگان		۱۳,۴۴۳۳۷
سطح معناداری		۰,۴۹۱۹

تخمین مدل رگرسیونی

در این بخش مدل رگرسیونی تخمین زده شده است. نتایج مربوط به هر یک از متغیرها در جدول (۴-۶) آمده است:

جدول (۴): نتایج تخمین مدل رگرسیونی اول

$AF_{it} = \beta_0 + \beta_1 ES_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 BM_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 QUICK_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 LOSS_{it} + \beta_8 REC_{it} + \beta_9 BIG_{it} + \beta_{10} FI_{it} + \beta_{11} OPINION_{it} + \beta_{12} ARL_{it} + \beta_{13} FIN_{it} + \beta_{14} AZ_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	نماد	بتا	انحراف استاندارد	تی استودنت
ضریب ثابت	C	۰,۱۰۹۳۷۲	۰,۰۰۲۸۵۰	۳۸,۳۸۰۹۰
هموارسازی سود	ES	۰,۰۲۳۸۳۶	۰,۰۰۲۳۷۹	۱۰,۰۱۸۱۴
اندازه شرکت	SIZE	-۰,۴۳۲۱۹۵	۰,۰۱۹۲۰۴	-۲۲,۵۰۶۰۲
ارزش دفتری به بازار	BM	۰,۱۳۰۶۴۷	۰,۰۵۵۷۷۹	۲,۳۴۲۲۱۶
سودآوری	ROA	۰,۰۳۵۲۸۹	۰,۰۰۲۰۷۴	۱۷,۰۱۵۲۱

نسبت آنی	QUICK	۰,۰۱۳۰۸۳	۰,۰۱۵۷۷	-۸,۲۹۴۴۲۳	۰,۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰,۰۱۰۶۰۴	۰,۰۰۱۲۰۰	۸,۸۳۴۵۴۰	۰,۰۰۰۰
زیان شرکت	LOSS	۰,۷۷۳۰۴۸	۰,۰۹۹۷۷۷	۷,۷۴۷۷۵۵	۰,۰۰۰۰
حساب های دریافتی	REC	۰,۰۲۶۵۰۸	۰,۰۰۷۶۵۲	۳,۴۶۴۱۸۹	۰,۰۰۰۰۵
نوع حسابرس	BIG	۰,۹۲۷۳۵۷	۰,۰۷۶۸۴۰	۱۲,۰۶۸۶۲	۰,۰۰۰۰
درآمدهای خارجی	FI	-۰,۱۹۲۴۸۰	۰,۰۶۹۸۷۳	-۲,۷۵۴۷۱۰	۰,۰۰۰۵۹
اظهاری نظر حسابرس	OPINION	۰,۳۲۶۲۵۹	۰,۰۵۷۰۲۵	-۵,۷۲۱۳۴۱	۰,۰۰۰۰
تاخیر در گزارش حسابرسی	ARL	-۰,۰۰۲۵۱۸	۰,۰۰۰۸۷۶	-۲,۸۷۲۶۹۸	۰,۰۰۰۴۱
تخصص در صنعت	FIN	-۰,۲۳۵۵۴۴	۰,۰۶۵۹۵۲	-۳,۵۷۱۴۵۶	۰,۰۰۰۰۴
ریسک ورشکستگی	AZ	۰,۱۹۶۵۹۵	۰,۰۹۱۵۹۳	۲,۱۴۶۳۸۳	۰,۰۳۱۹

سطح معناداری به دست آمده برای متغیر مستقل هموارسازی سود شرکت (ES) کمتر از خطای ۵ درصد می باشد که نشان می دهد هموارسازی سود برحق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. علاوه بر این، ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل هموارسازی سود مثبت است که نشان می دهد با افزایش هموارسازی سود، حق الزحمه حسابرسی شرکت ها نیز افزایش پیدا کرده است (تایید فرضیه اول پژوهش). علاوه بر این، یافته های مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان می دهند که اندازه شرکت، نسبت آنی، درآمدهای خارجی، اظهارنظر حسابرس، تاخیر در گزارش حسابرسی و تخصص در صنعت موجب کاهش حق الزحمه های حسابرسی شرکت ها در دوره بررسی شده است و این در حالی که اثر سودآوری، اهرم مالی، زیان شرکت، حساب های دریافتی، نوع حسابرس و ریسک ورشکستگی موجب افزایش حق الزحمه های حسابرسی شده است.

مدل رگرسیونی دوم

یافته های مربوط به آزمون های چاو و هاسمن در جدول (۵) آمده است:

جدول (۵): نتایج آزمون چاو و هاسمن

آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
چاو (F لیمر)	۱۳,۳۲۸۹۰۱	(۱۵۸,۷۸۱)	۰,۰۰۰۰	پانلی (تابلویی)
هاسمن	۹۶,۸۷۰۴۴۴	۱۴	۰,۰۰۰۰	اثرات ثابت

آزمون های برازش مدل

براساس شاخص های نیکویی برازش مدل مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. ضریب تعیین اصلاح شده مدل نیز نشان می دهد ۶۹ درصد از تغییرات موجود در حق الزحمه های حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این مدل ها تبیین می گردد. همخطی به معنای وجود رابطه خطی شدید بین متغیرهای توضیحی است. وجود همخطی شدید بین متغیرهای توضیحی یک مدل موجب تورش ضرایب آن و بی اعتباری آزمون معناداری ضرایب خواهد شد. یکی از شیوه های بررسی همخطی محاسبه آماره تورم واریانس است. چنانچه این آماره از عدد ۱۰ کوچک تر باشد، همخطی شدید وجود ندارد.

عدم وجود خودهمبستگی باقیمانده ها از طریق آزمون دوربین- واتسون مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه آماره آزمون دوربین- واتسون در بازه ۱/۵ الی ۲/۵ قرار دارد، نشان دهنده عدم وجود خودهمبستگی باقیمانده ها در مدل دارد.

از شرایط لازم برای تخمین مدل رگرسیونی، همسانی واریانس اجزای خطای مدل است که در صورت ناهمسانی از اعتبار مدل رگرسیونی می کاهد. برای این منظور از آزمون بروش- پاگان استفاده شده است که سطح معناداری به دست آمده برای این آزمون بیشتر از خطای ۵ درصد می باشد و نشان از وجود همسانی واریانس در بین اجزای خطای مدل دارد.

جدول (۶): نتایج آزمون های برازش مدل رگرسیونی دوم

متغیر	نماد	تورم واریانس
دوران تصدی حسابرس	ATENURE	۱,۹۰۵۴۳۴
اندازه شرکت	SIZE	۱,۳۷۶۶۰۷
ارزش دفتری به بازار	BM	۱,۲۹۶۷۸۸
سودآوری	ROA	۲,۰۴۳۲۹۷
نسبت آنی	QUICK	۱,۰۷۶۳۱۸
اهرم مالی	LEV	۱,۹۹۱۵۹۸
زیان شرکت	LOSS	۱,۴۷۴۸۷۰
حساب های دریافتی	REC	۱,۰۲۱۲۸۵
نوع حسابرس	BIG	۲,۱۵۳۵۱۰
درآمدهای خارجی	FI	۱,۰۵۵۷۵۹
اظهار نظر حسابرس	OPINION	۱,۰۸۷۲۳۴
تاخیر در گزارش حسابرسی	ARL	۱,۰۰۷۳۵۸
تخصص در صنعت	FIN	۱,۲۷۵۰۸۲
ریسک ورشکستگی	AZ	۱,۰۶۰۰۶۸
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۶۹۱۸۹۳
آماره F		۱۳,۴۴۲۳۶
سطح معناداری		۰,۰۰۰۰۰۰
دوربین-واتسون		۱,۸۵۴۶۳۴
آماره بروش-پاگان		۱۰,۶۵۷۴۰
سطح معناداری		۰,۷۱۲۷

تخمین مدل رگرسیونی

در این بخش مدل رگرسیونی تخمین زده شده است. نتایج مربوط به هر یک از متغیرها در جدول (۷) آمده است:

جدول (۷): نتایج تخمین مدل رگرسیونی دوم

$AF_{it} = \beta_0 + \beta_1 ATENURE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 BM_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 QUICK_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 LOSS_{it} + \beta_8 REC_{it} + \beta_9 BIG_{it} + \beta_{10} FI_{it} + \beta_{11} OPINION_{it} + \beta_{12} ARL_{it} + \beta_{13} FIN_{it} + \beta_{14} AZ_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	نماد	بتا	انحراف استاندارد	تی استودنت	معناداری
ضریب ثابت	C	۰,۱۰۸۲۰۰	۰,۰۰۲۸۵۶	۳۷,۸۸۷۸۹	۰,۰۰۰۰

۰,۰۰۰۰	۶,۵۰۴۳۱	۰,۰۱۵۳۸۵	۰,۱۰۰۰۶۹	ATENURE	دوران تصدی حسابرس
۰,۰۰۰۰	-۲۲,۶۶۱۳۴	۰,۰۱۹۲۸۱	-۰,۴۳۶۹۳۶	SIZE	اندازه شرکت
۰,۰۱۱۲	۲,۵۳۶۹۸۱	۰,۰۵۵۹۳۰	۰,۱۴۱۸۹۳	BM	ارزش دفتری به بازار
۰,۰۰۰۰	۱۶,۵۰۱۴۰	۰,۰۰۲۰۷۶	۰,۰۳۴۴۲۶۴	ROA	سودآوری
۰,۰۰۰۰	-۶,۸۶۰۷۸۴	۰,۰۰۱۵۶۶	-۰,۰۱۰۷۴۷	QUICK	نسبت آنی
۰,۰۰۰۰	۷,۹۰۰۷۱۹	۰,۱۲۱۱۴۲	۰,۹۵۷۱۰۶	LEV	اهرم مالی
۰,۰۰۰۰	۷,۷۸۳۳۵۹	۰,۰۹۹۹۶۶	۰,۷۷۸۰۶۹	LOSS	زیان شرکت
۰,۰۰۱۰	۳,۲۹۲۰۸۵	۰,۰۰۷۶۶۶	۰,۰۲۵۲۳۶	REC	حساب های دریافتی
۰,۰۰۰۰	۵,۷۵۵۲۹۱	۰,۰۹۵۲۸۳	۰,۵۴۸۳۸۰	BIG	نوع حسابرس
۰,۰۰۲۷	-۲,۹۹۸۱۰۷	۰,۰۶۹۹۸۹	-۰,۲۰۹۸۳۳	FI	درآمدهای خارجی
۰,۰۰۰۰	-۶,۲۴۲۴۰۴	۰,۵۷۱۴۴	-۰,۳۵۶۷۱۵	OPINION	اظهاری نظر حسابرس
۰,۰۴۲۴	-۲,۰۲۹۲۷۷	۰,۰۰۰۸۷۵	-۰,۰۰۱۷۷۶	ARL	تاخیر در گزارش حسابرسی
۰,۰۰۰۰	-۴,۲۶۵۴۹۹	۰,۰۶۵۸۲۷	-۰,۲۸۰۷۸۵	FIN	تخصص در صنعت
۰,۰۵۹۰	۱,۸۸۸۱۷۲	۰,۹۱۹۱۸	۰,۱۷۳۵۵۷	AZ	ریسک ورشکستگی

سطح معناداری به دست آمده برای متغیر مستقل دوران تصدی حسابرس شرکت (ATENURE) کمتر از خطای ۵ درصد می باشد که نشان می دهد دوران تصدی حسابرس برحق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. علاوه بر این، ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل دوران تصدی حسابرس مثبت است که نشان می دهد با افزایش دوران تصدی حسابرس، حق الزحمه حسابرسی شرکت ها نیز افزایش پیدا کرده است (تایید فرضیه دوم پژوهش). هم چنین، یافته های مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان می دهند که اندازه شرکت، نسبت آنی، درآمدهای خارجی، اظهارنظر حسابرس، تاخیر در گزارش حسابرسی و تخصص در صنعت موجب کاهش حق الزحمه های حسابرسی شرکت ها در دوره بررسی شده است و این در حالی که اثر سودآوری، اهرم مالی، زیان شرکت، حساب های دریافتی و نوع حسابرس موجب افزایش حق الزحمه های حسابرسی شده است. اما اثر ریسک ورشکستگی بر حق الزحمه های حسابرسی در دوره زمانی پژوهش معنادار به دست نیامده است.

نتیجه گیری

در فرضیه اول به بررسی اثر هموارسازی سود بر حق الزحمه حسابرسی شرکت ها پرداخته شد که نتایج نشان داد با افزایش هموارسازی سود، حق الزحمه حسابرسی شرکت ها نیز افزایش پیدا کرده است. در این ارتباط می توان اشاره کرد که هموارسازی درآمد بر ارزیابی ریسک حسابرسان و بنابراین تصمیمات قیمت گذاری آنها تأثیر می گذارد. چراکه از یک طرف، هموارسازی درآمد می تواند نوسانات جریان های سود را کاهش دهد و ریسک تجاری ذاتی یک شرکت (به عنوان مثال، مشتری) را کاهش دهد (مثلاً ریسک ورشکستگی)، که می تواند به طور مطلوب بر درک سهامداران مختلف تأثیر بگذارد و بنابراین منجر به شرایط بهتر تجارت شود. بنابراین می توان پذیرفت که هموارسازی درآمد با ارزش گذاری بالاتر شرکت، سودمندی اطلاعات / تصمیم گیری بیشتر، هزینه کمتر حقوق صاحبان سهام، نوسانات بازده سهام کمتر، هزینه پایین تر بدهی، پراکندگی کمتر پیش بینی تحلیل گر و ریسک قرارداد با تامین کنندگان و یا مشتریان کمتر در ارتباط است. تا جایی که ریسک های تجاری خاص مشتری (یعنی ریسک های مرتبط با ادامه بقا و رفاه مشتری) بر تصمیم های قیمت گذاری

حسابرسان تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، هموارسازی درآمد می‌تواند توسط مدیران برای پنهان کردن اطلاعات مربوط به عملکرد اقتصادی واقعی شرکت‌ها، افزایش ریسک مدیریت سود فرصت‌طلبانه و گزارش نادرست مالی عمدی استفاده شود. در زمان‌های خوب که درآمدهای تحقق یافته بالا است، مدیران ممکن است سود را کمتر گزارش کنند، در حالی که در زمان‌های بد که درآمدهای تحقق یافته کم است، مدیران ممکن است سود را افزایش دهند تا منافع شخصی خود را به حداکثر برسانند. بنابراین، هموارسازی منجر به اعداد کمتر شفاف سود می‌شود و به عنوان یک ابزار برای مدیریت سود در نظر گرفته می‌شود که توسط خودی‌ها برای پنهان کردن رانت اقتصادی کنترل خصوصی خود استفاده می‌شود. به این ترتیب، پیشنهاد می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار تهران با همکاری سازمان حسابداری، نظارت و کنترل بیشتری بر گزارش‌های مالی شرکت‌ها اعمال نمایند تا بتواند هموارسازی سود آنها را کاهش دهد. یافته‌های فرضیه اول پژوهش سازگار با نتایج مطالعه چانگ و همکاران (۲۰۲۱) می‌باشد.

در فرضیه دوم به بررسی اثر دوره تصدی حسابرس بر حق الزحمه حسابداری شرکت‌ها پرداخته شد که یافته‌ها نشان داد با افزایش دوران تصدی حسابرس، حق الزحمه حسابداری شرکت‌ها نیز افزایش پیدا کرده است. در رابطه با یافته‌های مربوط به فرضیه دوم نیز می‌توان این طور استدلال کرد که شرکت‌های معمولاً در سال‌های اولیه همکاری با شرکت‌های موکل خود حق الزحمه‌های کمتری را (به دلیل تخفیف) دریافت می‌کنند. در واقع، در سال‌های اولیه همکاری شرکت‌های حسابداری تلاش می‌کنند تا با ارائه تخفیفات ویژه به مشتریان (شرکت‌های موکل) نظر آنها را برای همکاری جلب نمایند. اما به تدریج که همکاری بین حسابرسان خارجی و شرکت‌های موکل افزایش پیدا می‌کند، و با توجه به اینکه ممکن است در سال‌های آتی مدیران شرکت‌ها روابط نزدیک تری با شرکت‌های حسابداری برقرار نمایند و خواسته‌های مختلفی از جمله دستکاری سود، هموارسازی سود و ارائه گزارش‌های مالی با دستکاری در شاخص‌های حسابداری را داشته باشند، و از آن جایی که این موارد می‌تواند در نهایت منجر به افزایش ریسک حسابرسان شود، حق الزحمه‌های حسابداری افزایش پیدا می‌کند. ضمن اینکه بایستی در نظر گرفته شود که شرکت‌های حسابداری در دوره‌های طولانی مدت تخصص‌های بیشتری پیدا می‌کنند که این امر می‌تواند قدرت آنها را برای افزایش دستمزدهای حسابداری بیشتر کند. بنابراین، در مجموع می‌توان پذیرفت که دوران تصدی حسابرسان با افزایش حق الزحمه‌های حسابداری همراه می‌باشد. به این ترتیب پیشنهاد می‌شود با گسترش مطالعات و ادبیات نظری در حوزه دوران تصدی حسابرس و حق الزحمه‌های حسابداری شرکت‌ها، فعالان بازار سرمایه، اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها، سهامداران، اعتباردهندگان، موسسات حسابداری، پژوهش‌گران و ... با مباحث این بخش‌ها بیشتر آشنا شوند تا بتوانند به نحو مناسبی به ایفای نقش در آن بپردازند. یافته‌های فرضیه دوم پژوهش سازگار با نتایج مطالعات اسفهلان (۱۴۰۰)، چانگ و همکاران (۲۰۲۱) و هسیه و همکاران (۲۰۱۹) می‌باشد.

منابع

- ✓ تابلی، مهدیه، (۱۴۰۰)، بررسی نقش هموارسازی سود در تغییر حسابرس، هفتمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱-۲۲.
- ✓ رشیدی، محسن، (۱۴۰۰). بررسی رقابت بازار، چسبندگی حق الزحمه حسابداری و کیفیت حسابداری، دانش حسابداری مالی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۷۳-۱۹۳.
- ✓ زمانی، الهه، تالانه، عبدالرضا، (۱۴۰۰)، بررسی رابطه بین حق الزحمه حسابداری کیفیت حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱-۹.

- ✓ شاکرزواردهی، فائزه، ابراهیمی، سیدکاظم، جلالی، فاطمه، (۱۴۰۰)، اثر فعالیت های تامین مالی بیرونی بر هموارسازی سود با توجه به نقش تعدیل کنندگی مدیریت ریسک سازمانی، دومین کنفرانس بین المللی چالش ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری، دوره ۴، شماره ۶، صص ۱-۱۲.
- ✓ کلهرچگینی، امین، سالاری کیاآبادی، فریدون، (۱۴۰۰)، اثر خوش بینی مدیریتی بر هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران، هشتمین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۱-۲۶.
- ✓ Alhadab, Mohammadm. (2018). Abnormal audit fees and accrual and real earnings management: evidence from UK. *Journal of Financial Reporting and Accounting*. 16(3): 1985-2517.
- ✓ American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). (1992). Audit risk alert. The CPA letter 72. New York: AICPA.
- ✓ Antle, R. Gordon, E. Narayanamoorthy, G. and Zhou, L. (2006). The joint determination of audit fees, non-audit fees, and abnormal accruals. *Review of Quantitative Finance and Accounting*. 27(3): 235-266.
- ✓ Baik, B. Choi, S. & Farber, D. (2020). Managerial ability and income smoothing. *The Accounting Review*. 95(4): 1-22.
- ✓ Beidleman, C. R. (1973). Income Smoothing: The Role of Management. *The Accounting Review*. 48(4): 653-667
- ✓ Bryan, D. Mason, T. W. & Reynolds, J. K. (2018). Earnings autocorrelation, earnings volatility, and audit fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*. 37(3): 47-69
- ✓ Chang, Hsihui, L.C. Jennifer, Ho/ Zenghui, Liu. Bo, Ouyang. (2021), Income smoothing and audit fees. *Advances in Accounting*. 54 (20): 100547
- ✓ Chang, H. Kao, Y.-C. Mashruwala, R. Sorensen, S.M. (2017). Technical inefficiency, allocative inefficiency, and audit pricing. *J. Account. Audit Financ*. 33 (4): 580-600.
- ✓ Choi, J. H. Kim, J. B. Liu, X. & Simunic, D. A. (2008). Audit pricing, legal liability regimes, and big 4 premiums: Theory and cross-country evidence. *Contemporary Accounting Research*. 25(5): 55-99.
- ✓ Choi, M. Ki, E. & Kwon, S. Y. (2017). The effects of accruals quality on audit hours and audit fees. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 32(3): 372-400.
- ✓ Daugherty, B. Dickins, D. Hatfield, R. Higgs, J. (2012). An examination of partner perceptions of partner rotation: direct and indirect consequences to audit quality. *Auditing: J. Pract. Theory*. 31 (1): 97-114.
- ✓ Demerjian, P. Donovan, J. & Lewis-Western, M. F. (2020). Income smoothing and the usefulness of earnings for monitoring in debt contracting (Contemporary Accounting Research, Forthcoming). 37(2): 857-884.
- ✓ Dou, Y. Hope, O. & Thomas, W. B. (2013). Relationship-specificity, contract enforceability, and income smoothing. *The Accounting Review*. 88(5): 1629-1656.
- ✓ Fiolleau, K. Hoang, K. Jamal, K. Sunder, S. (2009). Engaging Auditors: Field Investigation of a Courtship. In unpublished paper: University of Alberta School of Business Research Paper. 22(16):2013-1008
- ✓ Francis, J., LaFond, R., Olsson, P. M., & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. *The Accounting Review*. 79(9): 967-1010.
- ✓ Ghosh, A. and Pawlewicz, R. (2009). The impact of regulation on auditor fees: evidence from the Sarbanes-Oxley act. *Auditing: a Journal of Practice and Theory*. 28(2): 171-197.
- ✓ Goel, A. M., & Thakor, A. V. (2003). Why do firms smooth earnings?. *Journal of Business*. 76(9): 151-191.
- ✓ Graham, J. R. Harvey, C. R. & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*. 40(11): 3-73.

- ✓ El Guindy Medhat N. Nadia Sbei Trabelsi (2020). IFRS adoption/reporting and auditor fees: the conditional effect of audit firm size and tenure. *International Journal of Accounting & Information Management*. 28(4): 1834-7649
- ✓ Hay, D. C. Knechel, W. R. & Wong, N. (2006). Audit fees: A meta-analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*. 23(3): 141–191.
- ✓ Hsieh, Tien-Shih. Jeong-Bon, Kim. Ray R. Wang. Zhihong Wang. (2019), Seeing is believing? Executives' facial trustworthiness, auditor tenure, and audit fees. *Journal of Accounting and Economics*. 69(1): 214-298.
- ✓ Kim, J.-B. Liu, X. and Zheng, L. (2012). The impact of mandatory IFRS adoption on audit fees: theory and evidence. *The Accounting Review*. 87(6): 2061-2094.
- ✓ Krishnan, G. V. Sun, L. Wang, Q. & Yang, R. (2013). Client risk management: A pecking order analysis of auditor response to upward earnings management risk. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*. 32(2): 147–169
- ✓ LaFond, R. Lang, M. & Ashbaugh-Skaife, H. (2007). Earnings smoothing, governance and liquidity: International evidence. Working paper. Massachusetts Institute of Technology. 20(2): 125-201.
- ✓ Lai, K. Srinidhi, B. Gul, F., & Tsui, J. (2019). Board gender diversity, auditor fees, and auditor choice. *Contemporary Accounting Research*. 34(3): 1681–1714.
- ✓ Moore, D.A. Loewenstein, G. Tanlu, L. and and Bazerman, M.H. (2003). Auditor independence, conflict of interest, and the unconscious intrusion of bias. *Harvard Business School Working Paper*. 17(6): 03-116.
- ✓ Morgan, J. & Stocken, P. (1998). The effects of business risk on audit pricing. *Review of Accounting Studies*. 3(2): 365–385.
- ✓ Rountree, B. Weston, J. & Allayannis, G. (2008). Do investors value smooth performance?. *Journal of Financial Economics*. 90(8): 237–251
- ✓ Salman, F.M. and Carson, E. (2009). The impact of the Sarbanes-Oxley act on the audit fees of Australian listed firms. *International Journal of Auditing*. 13(2): 127-140.
- ✓ Shaw, W.H. and Terando, W.D. (2014). The cost of compliance to Sarbanes-Oxley: an examination of the real estate investment industry. *AUDITING: A Journal of Practice and Theory*. 33(1): 177-186.
- ✓ Simunic, D. A. (1980). The pricing of audit services: theory and evidence. *Journal of Accounting Research*. 22(3): 161–190.
- ✓ Singh, Abhijeet. Harjinder, Singh. Nigar, Sultana. John, Evans. (2019), Independent and joint effects of audit partner tenure and non-audit fees on audit quality. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*. 15 (19): 186–205
- ✓ Trueman, B. & Titman, S. (1988). An explanation for accounting income smoothing. *Journal of Accounting Research*. 26(2): 127–139.
- ✓ Tucker, J. W. & Zarowin, P.A. (2006). Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness? *The Accounting Review*. 81(1): 251–270.
- ✓ Zhang Xingguo. (2016). Income Smoothing, Idiosyncratic Risk & CEO Turnover. *Journal of Mathematical Finance*. 20(6): 1-13.